



کتاب، کتابخانه و کتابداری در جبهه‌های حق علیه باطل

معنی باطنی

کشور به وظیفه خود عمل کرده و به نحوی در جبهه‌ها مشارکت کرده بودند و تعدادی از آنان نیز به شهادت رسیده بودند. لذا مسأله را با چند تن از دوستان کتابدار مطرح کردم. همه تمایل به حضور در جبهه‌ها را داشتند. با مشورت با یکی از کتابداران صلاح دیدیم که از طریق بسیج به صورت عادی وارد جبهه شویم. پس از انجام مراحل نام‌نویسی و گرفتن موافقت از واحد مربوط به سوی جبهه حرکت کردیم.

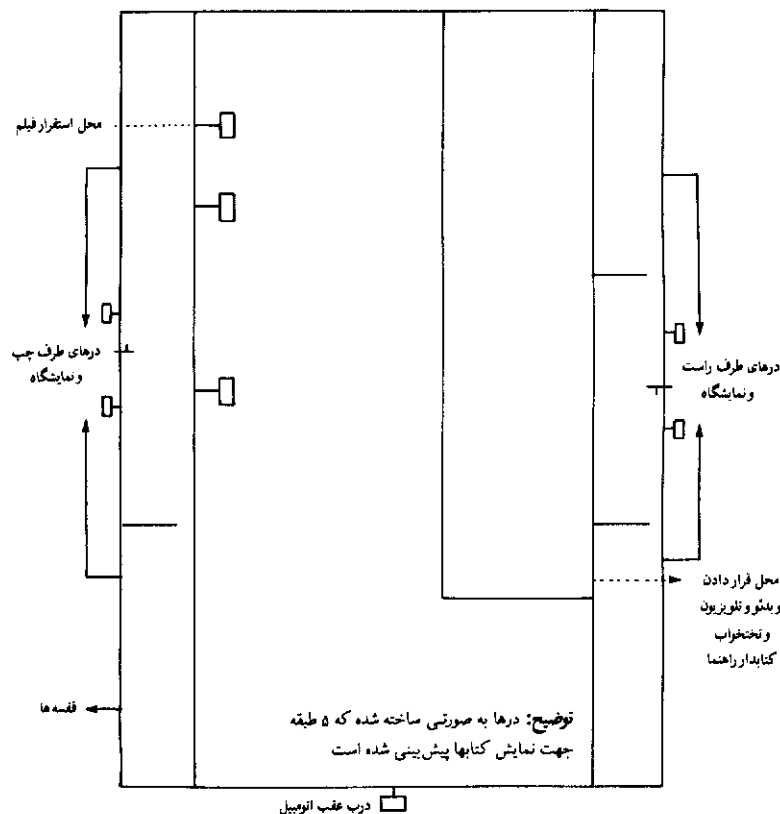
در جمع ما از هر قشر و گروه اجتماعی از قبیل دانشجوی، استاد، معلم، کاسب، کارمند و غیره در سنین مختلف و از شهرهای سراسر کشور حضور داشتند. ما در ابتداء تصمیم داشتیم با توجه به داشتن گواهینامه رانندگی به عنوان راننده آمبولانس ضمن انجام وظیفه شرعی و انسانی خود با حضور در قسمتهای مختلف جبهه پاسخ سوالات خود را پیدا کنیم. ولی از آنجا که تقسیم افراد بر مبنای فرمهای پر شده و شغلهای ذکر شده بود من و همکارم را به معاونت فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر

کتابدارانی که در کتابخانه‌های ملی، عمومی، و اختصاصی فعالیت دارند حتماً با کتابخانه‌هایی که تحت عنوان واحد سیار فعالیت دارند آشنا هستند. من نیز به عنوان یک کتابدار، جسته و گریخته اطلاعاتی درباره نحوه کار و فعالیت آن دارم. ولی پس از شروع جنگ تحمیلی، همیشه در این فکر بودم که آیا این همه انسان مؤمن و فعال که به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل هجوم می‌برند اوقات فراغتی هم دارند؟ اگر چنین است چگونه آن را می‌گذرانند؟ بنابه وظیفه شغلی خود، در این فکر بودم که آیا رزمندگان فرصت مطالعه دارند، و در آن صورت آیا کتابی در اختیارشان قرار داده لای‌شود؟ آیا کتابخانه‌ای به صورت ثابت یا سیار در جبهه‌ها وجود دارد؟ پس از چندی با دیدن وانت‌هایی که به جمع‌آوری کتاب برای رزمندگان اسلام مشغول بودند پاسخ سوالاتم را دریافت کردم.

نخست آنکه در جبهه‌ها اوقات فراغت هم هست و دوم اینکه برای گذراندن آن از کتاب هم استفاده می‌شود. اما سوالات بعدی هنوز بی‌جواب بود: این کتابها در کجا و به وسیله چه کسانی در اختیار رزمندگان قرار می‌گیرد؟ آیا به آنها اهداء می‌شود؟ آیا در محلی (سوله‌مانند) جمع‌آوری می‌گردد و افراد برای استفاده به آنجا می‌روند؟ کتابها چگونه انتخاب می‌شوند؟ توسط رزمندگان یا به طریق دیگری؟ اگر کتابی و یا موضوعی در دست نبود چطور از آن مطلع شده و چگونه کتاب مورد نظر تهیه می‌گردد؟ و بسیاری سوالات دیگر.

هرچه از زمان شروع جنگ تحمیلی می‌گذشت اشتیاقم برای یافتن پاسخ بیشتر می‌شد، تا اینکه توسط چند تن از دوستان که در جبهه‌ها حضور پیدا کرده بودند، متوجه شدم که در مرکز قرارگاهها کتابخانه‌هایی وجود دارد که افراد مختلفی در آنجا به ارائه خدمات مشغولند. از طرفی هجوم همه اقشار مختلف به جبهه سؤال دیگری برابم مطرح کرده بود: آیا کتابداران بنا به موقعیت شغلی خود، وظیفه حضور در جبهه‌های نور علیه ظلمت را ندارند؟ البته عده‌ای از کتابداران و کارکنان کتابخانه‌های

تصویر ۱. طرح جلوی اتوبوس (واحد سیار)



در قرارگاه خاتم الانبیاء معرفی کردند. آنها پس از آگاهی از کار و مسئولیت ما، درخواست نمودند که کتابخانه قرارگاه را راه اندازی کنیم. به هر صورت هدف اصلی ما انجام تکلیف بود و به همین دلیل دست به کار شدیم و کتابخانه کوچک و تقریباً نامرتب آنجا را به لطف پروردگار و کمک مسئولان امر مرتب و فعال نمودیم. به عنوان فعالیت جنبی نیز یک کلاس سوادآموزی در کتابخانه تأسیس کردیم و یکی از معلمان با تجربه و متخصص در زمینه سوادآموزی نسبت به تعلیم بی سوادان روستائی و عشایری مشغول انجام وظیفه شد. این فعالیتها بسیار مورد استقبال قرار گرفت. ولی کتابخانه قرارگاه و مجموعه کتابهایش کافی نبود. در مدتی که ما در این کتابخانه بودیم طی بررسی کوتاهی که کردیم اغلب رزمندگان به دلایلی که ذکر شد علاقه مند به مطالعه بودند و بیشترین کتب مورد درخواست آنان بدین شرح بود:

۱. قرآن، ادعیه، مفاتیح الجنان، رساله توضیح المسائل، سیره ائمه (ع) و تفسیر قرآن؛
۲. آثار استاد مطهری، شهید دستغیب و کتب ادبیات و شعر و کتب سیاسی و تاریخی؛
۳. کتابهای کمک درسی؛
۴. نشریات کثیرالانتشار و خبرنامه ها؛
۵. کتابهای آموزشی زبانهای خارجی؛
۶. کتب و جزوات مربوط به جنگ افزارها و دفاع فردی.

بررسی اوقات فراغت و نیاز رزمندگان به کتاب و کتابخانه در همه خطوط و ضرورت حضور کتابدار از جمله فعالیتهاى ما بود که مورد توجه معاونت فرهنگی واحد مربوط قرار گرفت. به همین دلیل ضمن ابلاغ تقدیر کتبی ما را به «قرارگاه کربلا» معرفی کردند. در آنجا ضمن سر و سامان دادن به کتابخانه مستقر در قرارگاه به درستی و صحت بررسی انجام شده پی بردیم. در پایان مأموریت با کسب اطلاعات نسبتاً خوبی از وضعیت و چگونگی گذران اوقات فراغت رزمندگان در جبهه ها و میزان گرایش آنها به کتب مختلف به تهران بازگشتیم. در تهران با مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور گفت و گو کرده و اطلاعات به دست آمده را در

اختیار آنان قرار دادیم. خوشبختانه ضرورت این امر از طریق دیگری هم مطرح شده بود که باعث تسریع در کارهای بعدی گردید. بدین نحو که به دستور وزیر محترم وقت حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر خاتمی از طرف معاونت جنگ و معاونت فرهنگی دودستگاه اتومبیل آهوی وانت در اختیار ما قرار گرفت تا با هماهنگی معاونت سینمایی نسبت به ساخت واحد سیار فرهنگی - هنری اقدام شود. لذا با در نظر گرفتن جوانب امر طرحی تهیه کردیم (تصویر ۱) و با کارخانه اتاق سازی آریا، که یکی از سازندگان اتاق اتوبوس است وارد مذاکره شدیم. در طول ساخت تغییراتی را ضروری دیدیم که به خوبی لحاظ شد و برای اینکه بتوانیم از این وسیله نقلیه کوچک با امکانات محدود حداکثر استفاده را ببریم قسمتهای زیر را پیش بینی کردیم:

۱. قفسه های کتاب
- اتاقی را که برای عقب وانت در نظر گرفته بودیم به سه قسمت تقسیم کردیم:
- الف: قسمت چپ، با در نظر گرفتن سه

قفسه ۵ طبقه ای دردار و به عرض ۳۰ سانتیمتر و طول اتاق؛

- ب: سمت راست، با در نظر گرفتن سه قفسه ۵ طبقه ای دردار و به عرض ۳۰ سانتیمتر و طول اتاق؛
- ج: قسمت میانی با یک در عقب به منظور: استراحتگاه کتابدار، محل قرار دادن ویدئو و تلویزیون، محل نصب حلقه های فیلمهای سینمایی، محل قرار دادن پروژکتور و دیگر وسایل.

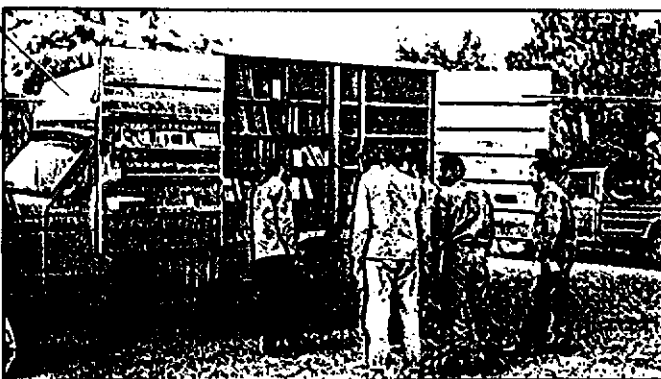
۲. در قفسه ها

- این درها را به صورتی پیش بینی کردیم که دارای ۵ طبقه با ۵ سانتیمتر عمق و ۵ سانتیمتر لبه جهت نمایش دادن کتابها بود و در زمان حرکت، این ها از جابجایی کتابها جلوگیری می کرد و در زمان توقف نیز درهای اطراف اتومبیل باز می شد و به صورت نمایشگاه در می آمد.
۳. در بالای سقف اتاق راننده بخشی را به صورت شیب دار در نظر گرفتیم که جای وسایل و ابزارهای راننده و کتابدار بود.

۴. دستگاه خبرکننده شامل (بلندگو و آژیر)



رزمندگان اسلام در حال استفاده از کتابخانه واحد سیار



تصویر ۲. واحد سیار فرهنگی و هنری

قفسه

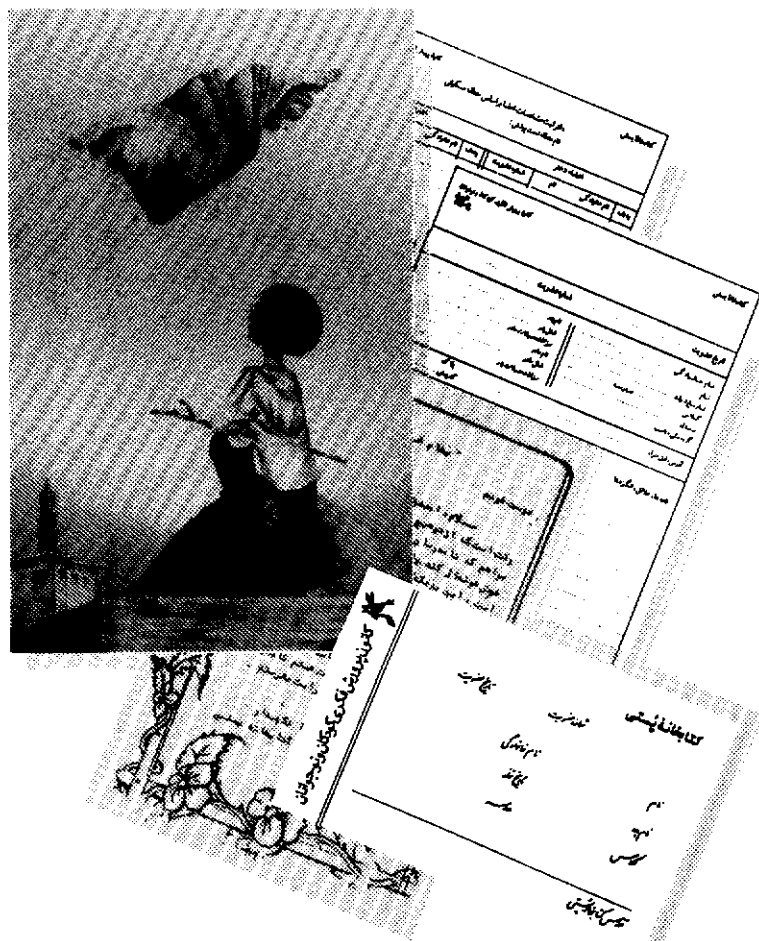
در قفسه ها که به صورت محل نمایش کتاب ساخته شده در قسمت راست اتومبیل هم مانند قسمت چپ قفسه و درهای نمایشی تعبیه شده است.

محل وسایل کتابدار و راننده چراغ آژیر



کتابخانه‌های پستی: طرح خدمات کتابخانه‌ای به اقصی نقاط کشور

نوشین موسوی



جهت مطلع کردن رزمندگان در پشت جبهه‌ها برای دریافت کتاب و یا دیدن فیلم بود.

۵. تعبیه پلکان یا رکاب جهت دسترسی به بالاترین طبقه قفسه‌ها.

۶. اضافه کردن دو کمک فتر در اطراف جهت تحمل بار سنگین اتاق.

نحوه فعالیت

واحد سیار به دلیل کیفیت مطلوب اتومبیل می‌توانست تا نزدیک به خط اول جبهه حضور پیدا کرده و در محل مناسبی با توجه به موقعیت منطقه نسبت به ارائه خدمات اقدام نماید. اگر در محل استقرار امکان نمایش فیلم وجود داشت واحد سیار می‌توانست با استفاده از ویدئو و تلویزیون و پروژکتور به نمایش فیلم پرداخته یا کتاب به امانت دهد. در غیر این صورت، واحد فقط به علاقه‌مندان کتاب امانت می‌داد.

در مورد درخواست کتاب، واحد سیار به شرح زیر عمل می‌کرد:

۱. کتاب مورد درخواست پس از ثبت مشخصات امانت‌گیرنده (رزمنده) در دفتر مخصوص، به او تحویل می‌شد (حداکثر ۲ کتاب)؛

۲. در صورتیکه کتاب مورد درخواست وجود نداشت کتابدار نام و مشخصات آن را جهت تهیه کتاب یادداشت می‌کرد؛

۳. در بازگشت واحد سیار — که معمولاً و حداکثر دو هفته یکبار بود — کتاب عودت داده می‌شد و در صورتیکه واحد مربوط تغییر مکان داده بود در محل جدید کتاب تحویل می‌گردید.

در پایان شاید این سؤال برای برخی از کتابداران مطرح باشد که با توجه به وسعت و گستردگی جبهه‌ها و انجام فعالیتهای نظامی و جابجایی‌ها، سرنوشت کتابها چه می‌شد. بدون هیچگونه اغراق و مبالغه باید گفت که همان اخلاص و تعهدی که رزمندگان نسبت به دفاع مقدس و پاسداری از میهن اسلامی خود داشتند، نسبت به امانات ناچیز و کم‌بهای خویش که متعلق به امت و مملکت اسلامیشان بود، ابراز می‌داشتند. ای کاش این روحیه متعالی اسلامی و انقلابی در همه ابعاد جامعه رسوخ می‌کرد.